

## چرا امیر مؤمنان (علیه السلام) از همسرش دفاع نکرد؟

### طرح شبهه:

علی که شیر خدا و اسد الله الغالب بود و در قلعه خیبر را با یک دست بلند کرد، چگونه حاضر می شود ببیند همسرش را در مقابل چشمانش کتک بزنند؛ اما هیچ واکنشی از خود نشان ندهد؟!

### نقد و بررسی:

یکی از مهمترین شبهه‌هایی که وهابی‌ها با تحریک احساسات مردم، به منظور انکار قضیه هجوم عمر بن خطاب و کتک زدن فاطمه زهرا سلام الله علیها مطرح می کنند، این است که چرا امیر مؤمنان علیه السلام از همسرش دفاع نکرد؟ مگر نه این که او اسد الله الغالب و شجاع ترین فرد زمان خود بود و ...

عالمان شیعه در طول تاریخ از این شبهه پاسخ های گوناگونی داده اند که به اختصار به چند نکته بسنده می کنیم.

### عکس العمل تند حضرت در برابر عمر بن خطاب:

امیر مؤمنان علیه السلام در مرحله اول و زمانی که آن ها قصد تعرض به همسرش را داشتند، از خود واکنش نشان داد و با عمر برخورد کرد، او را بر زمین زد، با مشت به صورت و گردن او کوبید؛ اما از آن جایی که مأمور به صبر بود از ادامه مخاصمه منصرف و طبق فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله صبر پیشه کرد. در حقیقت با این کار می خواست به آن ها بفهماند که اگر مأمور به شکیبائی نبودم و فرمان خدا غیر از این بود، کسی جرأت نمی کرد که این فکر را حتی از مخیله اش بگذراند؛ اما آن حضرت مثل همیشه تابع فرمان های الهی بوده است.

سلیم بن قیس هلالی که از یاران مخلص امیر مؤمنان علیه السلام است، در این باره می نویسد:

وَدَعَا عُمَرَ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ ثُمَّ دَفَعَهُ فَدَخَلَ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَرَفَعَ عُمَرُ السَّيْفَ وَهُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ يَا أَبَتَاهُ فَرَفَعَ السُّوْطَ فَضْرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَنَادَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِبُسِّ مَا خَلَفَكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ. فَوَثَبَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَخَذَ بِتَلَابِيهِ ثُمَّ تَنَزَّرَهُ فَصَرَعهُ وَوَجَّأَ أَنْفَهُ وَرَقَبَتَهُ وَهَمَّ بِقَتْلِهِ فَذَكَرَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَمَا أَوْصَاهُ بِهِ فَقَالَ وَالَّذِي كَرَّمَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ يَا ابْنَ صُهَيْكَ لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ وَعَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَعَلِمْتَ أَنَّكَ لَا تَدْخُلُ بَيْتِي.

عمر آتش طلبید و آن را بر در خانه شعله ور ساخت و سپس در را فشار داد و باز کرد و داخل شد! حضرت زهرا علیها السلام به طرف عمر آمد و فریاد زد: یا ابتاه، یا رسول الله! عمر شمشیر را در حالی که در غلافش بود بلند کرد و بر پهلوی فاطمه زد. آن

حضرت ناله کرد: یا ابتاه! عمر تازیانه را بلند کرد و بر بازوی حضرت زد. آن حضرت صدا زد:

یا رسول الله، ابوبکر و عمر با بازماندگانت چه بد رفتار می کنند!

علی علیه السلام ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد؛ ولی به یاد سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و وصیتی که به او کرده بود افتاد، فرمود: ای پسر صُهاک! قسم به آنکه محمد را به پیامبری مبعوث نمود، اگر مقدرات الهی و عهده‌ی که پیامبر با من بسته است، نبود، می دانستی که تو نمی توانی به خانه من داخل شوی»

الهلالی، سلیم بن قیس (متوفای 80هـ)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص 568، ناشر: انتشارات هادی - قم، الطبعة الأولى، 1405هـ.

همچنین آلوسی مفسر مشهور اهل تسنن به نقل از منابع شیعه این روایت را نقل کرده است:

أنه لما يجب علي غضب عمر وأضرم النار بباب علي وأحرقه ودخل فاستقبلته فاطمة وصاحت يا أبتاه ويا رسول الله فرفع عمر السيف وهو في غمده فوجأ به جنبها المبارك ورفع السوط فضرب به ضرعها فصاحت يا أبتاه فأخذ علي بتلابيب عمر وهزه ووجأ أنفه ورقبته

عمر عصبانی شد و درب خانه علی را به آتش کشید و داخل خانه شد، فاطمه سلام الله علیها به طرف عمر آمد و فریاد زد: «یا ابتاه، یا رسول الله!» عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلو فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه زد، فریاد زد: «یا ابتاه» (با مشاهده این ماجرا) علی (ع) ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید.

الآلوسی البغدادي، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود (متوفای 1270هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج 3، ص 124، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

آتسليم وصيت پیامبر اکرم (ص):

امیرمؤمنان علیه السلام در تمام دوران زندگی اش، مطیع محض فرمان های الهی بوده و آن چه او را به واکنش وامی داشت، فقط و فقط اوامر الهی بود و هرگز به خاطر تعصب، غضب و منافع شخصی از خود واکنش نشان نمی داد.

آن حضرت از جانب خدا و رسولش مأمور به صبر و شکیبایی در برابر این مصیبت های عظیم بوده است و طبق همین فرمان بود که دست به شمشیر نبرد.

مرحوم سید رضی الدین موسوی در کتاب شریف خصائص الأئمة (علیهم السلام) می نویسد:

أَبُو الْحَسَنِ فَقُلْتُ لِأَبِي فَمَا كَانَ بَعْدَ إِفَاقَتِهِ قَالَ دَخَلَ عَلَيْهِ النِّسَاءُ يَبْكِينَ وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ وَصَحَّ النَّاسُ بِالْبَابِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ نُودِيَ أَيْنَ عَلِيٍّ فَأَقْبَلَ حَتَّى دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَأَنْكَبْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا أَخِي... أَنْ الْقَوْمَ

سَيَسْغَلُهُمْ عَنِّي مَا يَسْغَلُهُمْ فَإِنَّمَا مَثَلُكَ فِي الْأُمَّةِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ نَصَبَهَا اللَّهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا وَإِنَّمَا تُؤْتِي مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ وَنَأْيٍ سَجِيقٍ وَلَا تَأْتِي وَإِنَّمَا أَنْتَ عِلْمُ الْهُدَى وَنُورُ الدِّينِ وَهُوَ نُورُ اللَّهِ يَا أَحْيَى وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْهِمْ بِالْوَعِيدِ بَعْدَ أَنْ أَخْبَرْتُهُمْ رَجُلًا رَجُلًا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّكَ وَالزَّمَهُمْ مِنْ طَاعَتِكَ وَكُلُّ أَجَابٍ وَسَلَّمَ إِلَيْكَ الْأَمْرَ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ خِلَافَ قَوْلِهِمْ إِذَا قُبِضْتُ وَفَرَعْتُ مِنْ جَمِيعِ مَا أُوصِيكَ بِهِ وَعَيَّبْتَنِي فِي قَبْرِي فَالزَّمْ بَيْتَكَ وَاجْمَعْ الْقُرْآنَ عَلَيَّ تَأْلِيْفِهِ وَالْفَرَائِضَ وَالْأَحْكَامَ عَلَيَّ تَنْزِيلِهِ ثُمَّ امْضِ [ذَلِكَ] عَلَيَّ غَيْرَ لَائِمَةٍ [عَزَائِمِهِ] وَ[عَلَيَّ] مَا أَمَرْتُكَ بِهِ وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ عَلَيَّ مَا يَنْزِلُ بِكَ وَبِهَا [يعني بفاطمة] حَتَّى تَقْدَمُوا عَلَيَّ.

امام کاظم علیہ السلام می فرماید: از پدرم امام صادق علیہ السلام پرسیدم: پس از به هوش آمدن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چه اتفاق افتاد؟ فرمود: زنها داخل شدند و صدا به گریه بلند کردند، مهاجرین و انصار جمع شده و اظهار غم و اندوه می کردند، علی فرمود: ناگهان مرا صدا زدند، وارد شدم و خودم را روی بدن پیغمبر انداختم، فرمود:

برادرم، این مردم مرا رها خواهند کرد و به دنیای خودشان مشغول خواهند شد؛ ولی تو را از رسیدگی به من باز ندارد، مثل تو در بین امت مثل کعبه است که خدا آن را نشانه قرار داده است تا از راههای دور نزد آن بیایند... پس چون از دنیا رفتم و از آنچه به تو وصیت کردم فارغ شدم و بدنم را در قبر گذاشتی، در خانه ات بنشین و قرآن را آنگونه که دستور داده ام، بر اساس واجبات و احکام و ترتیب نزول جمع آوری کن، تو را به بردباری در برابر آنچه که از این گروه به تو و فاطمه زهرا سلام الله علیها خواهد رسید سفارش می کنم، صبر کن تا بر من وارد شوی.

الشریف الرضی، ابي الحسن محمد بن الحسين بن موسی الموسوی البغدادي (متوفای 406هـ) خصائص الأئمة (علیهم السلام)، ص 73، تحقیق وتعلیق: الدكتور محمد هادي الأميني، ناشر: مجمع البحوث الإسلامية الأستانة الرضوية المقدسة مشهد - ایران، 1406هـ - المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 22، ص 484، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

در روایت دیگری سلیم بن قیس هلالی نقل می کند:

ثُمَّ نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) إِلَيَّ فَاطِمَةَ وَإِلَيَّ بَعْلَهَا وَإِلَيَّ ابْنَيْهَا فَقَالَ يَا سَلْمَانَ أَشْهَدُ اللَّهَ أَنِّي حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسَلِمٌ لِمَنْ سَالَهُمْ أَمَا إِنَّهُمْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقْبَلَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) عَلَيَّ عَلَيَّ (عليه السلام) فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّكَ سَتَلْقَى [بعدي] مِنْ قُرَيْشٍ شِدَّةً مِنْ تَظَاهُرِهِمْ عَلَيْكَ وَظُلْمِهِمْ لَكَ فَإِنْ وَجَدْتَ أَعْوَانًا [عليهم] فَجَاهِدْهُمْ وَقَاتِلْ مَنْ خَالَفَكَ بِمَنْ وَأَفَقَكَ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَاصْبِرْ وَكُفَّ يَدَكَ وَلَا تَلْقَ بِيَدِكَ إِلَيَّ التَّهْلُكَةَ فَإِنَّكَ [مِنِّي] بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَلَكَ بِهَارُونَ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ إِنَّهُ قَالَ لِأَخِيهِ مُوسَى إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي .

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به فاطمه و همسر او و دو پسرش نگاه می کرد و فرمود: ای سلمان! خدا را شاهد می گیرم افرادی که با اینان بجنگند با من جنگیده اند، افرادی که با اینان روی صلح داشته باشند با من صلح کرده اند، بدانید که اینان در بهشت

همراه منند .

سپس پیامبر صلی الله علیه وآله نگاهي به علي عليه السلام کرد و فرمود: اي علي! تو به زودي پس از من ، از قريش و متحد شدنشان عليه خودت و ستمشان سختي خواهي کشيد . اگر ياراني يفتي با آنان جهاد کن و به وسيله موافقيت با آنان بجنگ ، و اگر کمک کار و ياور ي نيافتي صبر کن و دست نگهدار و با دست خویش خود را به نابودي مينداز . تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسي هستي ، هارون براي تو اسوه خوبي است ، به برادرش موسي گفت :

إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي ؛

اين قوم مرا ضعيف شمردند و نزديك بود مرا بکشند .

الهلالی ، سليم بن قيس (متوفاي 80هـ) ، كتاب سليم بن قيس الهلالي ، ص 569 ، ناشر : انتشارات هادي - قم ، الطبعة الأولى ، 1405هـ .

همچنين در ادامه روايت پيشين که از سليم نقل شد ، امير مؤمنان عليه السلام خطاب به عمر فرمود :

يَا ابْنَ صُهَيْكَ لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ وَعَهْدٌ عَهْدَهُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَعَلِمْتَ أَنَّكَ لَا تَدْخُلُ بَيْتِي .

اي پسر صهآك! اگر مقدرات خداوندي و پيمان و سفارش رسول خدا صلي الله عليه وآله نبود ، هر آينه مي فهميدي كه تو قدرت ورود به خانه مرا نداري .

الهلالی ، سليم بن قيس (متوفاي 80هـ) ، كتاب سليم بن قيس الهلالي ، ص 568 ، ناشر : انتشارات هادي - قم ، الطبعة الأولى ، 1405هـ .

البته روايات در اين باب بيش از آن است كه در اين مختصر بگنجد ؛ از اين رو به همين چند روايت بسنده مي كنيم .

به راستي چه كسي جز حيدر كرآر مي تواند از چنين امتحان سختي بيرون بيايد؟! زماني ارزش اين كار مشخص مي شود كه بدانيم علي عليه السلام همان كسي است كه در ميدان نبرد ، همچون شير زيان بر دشمن حمله مي كرد و پهلوانان و يلان كفر را يكي پس از ديگري از سر راه بر مي داشت ، روزي پشت پهلواني همچون عمر بن عبدود را به خاك مي مالد و روزي ديگر فرق سر مرهب يهودي را همراه با كلاه خودش مي شكافد .

آن روز فرمان خداوند اين بود كه دشمنان از ترس ذوالفقارش خواب آسوده نداشته باشند ؛ ولي روز ديگر فرمان اين است كه همان ذوالفقار در نيام باشد تا اساس اسلام حفظ شود و دشمنان اسلام از نابود كردن آن مأیوس شوند .

### احتمال شهادت حضرت زهرا عليها السلام هنگام درگيري :

دفاع از ناموس ، از مسائل فطري و مشترك ميان همه انسان ها است ؛ اما روشن است كه اگر كسي بداند كه قصد دشمن از تعرض به ناموس وي اين است كه او را به واكنش وادار كنند تا به مقصود مهمتر و شوم تري دست يابند ؛ انسان عاقل ، با تدبير و مسلط بر نفس خویش ، هرگز كاري نخواهد كرد كه دشمن به مقصودش برسد .

قصد مهاجمين به خانه وحی اين بود كه امير مؤمنان عليه السلام را به واكنش وادار كنند و با استفاده از اين فرصت ، ثابت كنند كه

شخصی همانند علی علیه السلام برای رسیدن به حکومت دنیوی حاضر شد که افراد زیادی را از دم شمشیر بگذراند.

و نیز اگر امیرمؤمنان علیه السلام از خود واکنش نشان می داد و با آن ها درگیر می شد، ممکن بود که فاطمه زهرا در این درگیری ها کشته شود، سپس دشمنان شایع می کردند که علی علیه السلام برای به دست آوردن حکومت دنیایی، همسرش را نیز فدا کرد و در حقیقت او بود که سبب کشتن همسرش شد؛ چنانچه در باره عمار یاسر، یار وفادار امیرمؤمنان علیه السلام چنین کردند.

هنگام ساختن مسجد مدینه، عمار یاسر برخلاف دیگران که يك خشت برمی داشتند، او دو تا دو تا می آورد، پیامبر اسلام او را دید، با دست مبارکش، غبار را از سر و صورت نازنین عمار زدود و پس فرمود:

وَيَحْ عَمَارٍ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، يَدْعُوهُمْ إِلَي الْجَنَّةِ، وَيَدْعُوْنَهُ إِلَي النَّارِ.

عمار را گروه ستمگر می کشند، او آنان را به بهشت می خواند و آنان او را به جهنم.

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفاي 256هـ)، صحيح البخاري، ج 1، ص 172، ح 436، كتاب الصلاة، باب التَّعَاوُنِ فِي بِنَاءِ الْمَسْجِدِ، و ج 3، ص 1035، ح 2657، الجهاد والسير، باب مَسْحِ الْعُبَارِ عَنِ النَّاسِ فِي السَّبِيلِ، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1407هـ - 1987م.

صدور این روایت از رسول خدا صلی الله علیه وآله در حق عمار قطعی بود و تمام مردم از آن آگاه بودند و نیز ثابت می کرد که معاویه و دار و دسته اش همان گروه نابکار هستند؛ از این رو هنگامی که معاویه شنید عمار کشته شده و لرزه بر دل بسیاری از مردم انداخته، و این فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله سر زبان ها افتاده است، عمرو عاص را به حضور طلبید و پس از مشورت با او شایع کردند که علی علیه السلام او را کشته است و این گونه استدلال کردند که چون عمار در جبهه علی و همراه او بوده است و علی او را به جنگ فرستاده است؛ پس او قاتل عمار است.

احمد بن حنبل در مسندش می نویسد:

مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ حَزْمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا قُتِلَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ دَخَلَ عَمْرُو بْنُ حَزْمٍ عَلَي عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ فَقَالَ قُتِلَ عَمَارُ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ فَقَامَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ فَرِعًا يَرْجِعُ حَتَّى دَخَلَ عَلَي مُعَاوِيَةَ فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ مَا سَأْنُكَ قَالَ قُتِلَ عَمَارُ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ قَدْ قُتِلَ عَمَارُ فَمَاذَا قَالَ عَمْرُو سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ دُحِضَتْ فِي بَوْلِكَ أَوْ نَحْنُ قَتَلْنَا إِيْمًا قَتَلَهُ عَلِيٌّ وَأَصْحَابُهُ جَاءُوا بِهِ حَتَّى الْقَوْهَ بَيْنَ رِمَاحِنَا أَوْ قَالَ بَيْنَ سِيُوفِنَا.

ابو بکر بن محمد بن عمرو بن حزم از پدرش نقل می کند که گفت: هنگامی که عمار یاسر به شهادت رسید، عمرو بن حزم نزد عمرو عاص رفت و گفت: عمار کشته شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده است: گروه ستمگر، عمار را می کشند، عمرو عاص ناراحت شد و جمله «لا حول ولا قوة الا بالله» را می گفت تا نزد معاویه رفت، معاویه پرسید: چه شده است؟ گفت: عمار

کشته شده است. معاویه گفت: کشته شد که شد، حالا چه شده است؟ عمرو گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: عمار را گروه باغی و ستمگر خواهد کشت، معاویه گفت: مگر ما او را کشته ایم، عمار را علی و یارانش کشتند که او را همراه خویش وادار به جنگ کردند و او را بین نیزه ها و شمشیرهای ما قرار دادند.

الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 4، ص 199، ح 17813، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر؛  
البیهقی، أحمد بن الحسين بن علي بن موسی أبو بکر (متوفای 458هـ)، سنن البیهقی الکبری، ج 8، ص 189، ناشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة،  
تحقیق: محمد عبد القادر عطا، 1414 - 1994؛  
الذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفای 748هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج 1، ص 420 و ص 426، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد  
نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

هیثمی پس از نقل روایت می گوید:

رواه أحمد وهو ثقة.

الهیثمی، علي بن أبي بکر (متوفای ۸۰۷هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 7، ص 242، ناشر: دار الریان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بیروت -  
۱۴۰۷هـ.

و حاکم نیشابوری پس از نقل روایت می گوید:

هذا حديث صحيح علي شرط الشيخين ولم يخرجاه بهذه السياقة.

این حدیث با شرائطی که بخاری و مسلم قبول دارند، صحیح است؛ ولی آن ها به این صورت نقل نکرده اند.

الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفای 405 هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 155، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر:  
دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، 1411هـ - 1990م.

مناوی به نقل از قرطبی می نویسد:

وهذا الحديث أثبت الأحاديث وأصحها، ولما لم يقدر معاوية علي إنكاره قال: إنما قتله من أخرجه، فأجابه علي بأن رسول الله صلي الله عليه وسلم إذن قتل حمزة حين أخرجه.

قال ابن دحية: وهذا من علي إلزام مفحم الذي لا جواب عنه، وحجة لا اعتراض عليها.

این حدیث از محکم ترین و صحیح ترین احادیث است و چون معاویه قدرت بر انکارش نداشت، گفت: عمار را کسی کشت که او را همراه خود آورده است و لذا علی (ع) در پاسخش فرمود: پس بنابراین حمزه را هم در جنگ احد پیامبر کشته است؛ چون آن حضرت بود که حمزه را همراه خودش آورده بود.

ابن دحیه میگوید: این پاسخ علی چنان کوبنده است که حرفی برای گفتن باقی نمی گذارد و دلیلی است که انتقادی بر آن نیست.

المناوی، عبد الرؤوف (متوفای: 1031هـ)، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج 6، ص 366، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى،

## چرا امیر المؤمنین در هیچ جنگی در زمان خلفاء شرکت نکرد؟

این که امیرمؤمنان علیه السلام شجاعترین فرد زمان خودش بود، هیچ شك و شبهه ای در آن نیست؛ آن قدر شجاع و دلاور بود که شنیدن نامش خواب را از چشمان پهلوانان دشمن می پراند؛ تا جایی که عمر بن خطاب می گفت:

والله لولا سيفه لما قام عمود الاسلام.

به خدا سوگند! اگر شمشیر علی علیه السلام نبود، عمود خیمه اسلام استوار نمی شد.

ابن أبي الحديد المدائني المعتزلي، أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای 655 هـ)، شرح نهج البلاغة، ج 12، ص 51، تحقیق محمد عبد الكريم النمري، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1998 م.

حتی در زمانی که تمام یاران بی وفای رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ احد و حنین آن حضرت را رها و از معرکه گریختند، امام علی علیه السلام پروانه وار اطراف شمع وجود پیامبر گرامی چرخید و از او دفاع می کرد.

اما چرا همان علی علیه السلام در هیچ يك از جنگ های زمان خلفاء شرکت نکرد؟

همان کسی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله در تمام نبردهای مسلمانان علیه کفار، یهودیان و... شرکت فعال داشت و پیشاپیش تمام سربازان پرچم اسلام را به دوش می کشید و پهلوانان دشمن را یکی پس از دیگری بر زمین می کوبید، چه

اتفاقی افتاده بود که در زمان خلفاء در هیچ نبردی حضور نمی یافت؟

آیا شجاعتش را از دست داده بود، یا جنگ در رکاب خلفاء را جهاد نمی دانست؟ یا این که خلفاء، بر خلاف سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله قصد استفاده از آن حضرت را نداشتند؟

## امیر المؤمنین علیه السلام بهترین تصمیم را گرفت:

امر دائر بود بین این که امیرمؤمنان علیه السلام اساس اسلام را حفظ نماید و از حق خود بگذرد؛ یا این که بر آن عده اندک حمله نموده و آن ها را از دم تیغ بگذراند و در عوض دشمنان اسلام و منافقین با استفاده از این فرصت اساس اسلام را به خطر بیندازند، امیرمؤمنان علیه السلام راه دوم را برگزید و با این فداکاری دین اسلام را برای همیشه حفظ و دشمنان اسلام را نا امید کرد و به طور قطع این تصمیم عاقلانه تر بوده است.

در خطبه سوم نهج البلاغه می فرماید:

وَطَفِقْتُ أَرْتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بِيَدِ جَدَاءٍ أَوْ أَصْبِرَ عَلَي طَخِيَةِ عَمِيَاءٍ. يَهْرَمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَيَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَيَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ. فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَي هَاتَا أَحْجَي. فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدْزِي وَفِي الْحَلْقِ شَجًا. أَرِي تَرَاثِي نَهْبًا.

در این اندیشه فرو رفته بودم که: با دست تنها (با بی یآوری) به پا خیزم (و حق خود و مردم را بگیرم) و یا در این محیط پر

خفقان و تاریکی که پدید آورده اند صبر کنیم، محیطی که: پیران را فرسوده، جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا واپسین دم زندگی به رنج و آسودگی دارد.

(عاقبت) دیدم بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیکتر است؛ لذا شکیبائی ورزیدم؛ ولی به کسی می ماندم که: خاشاک چشمش را پر کرده، و استخوان راه گلویش را گرفته، با چشم خود می دیدم، میراثم را به غارت می برند.

و در خطبه پنجم نهج البلاغه، هنگامی که شخصی همانند ابوسفیان به قصد گرفتن ماهی از آب گل آلود و استفاده از موقعیت به دست آمده، نزد آن حضرت آمد و پیشنهاد بیعت و جنگ با ابوبکر را داد، امام علیه السلام خطبه خواند و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَفُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ... أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ أَوْ اسْتَسَلَّمَ فَأَرَّاحَ... فَإِنَّ أَقْلَ يَقُولُوا حَرَصَ عَلَيَّ الْمَلِكُ وَإِنَّ أَسْكُتَ يَقُولُوا جَزَعَ مِنَ الْمَوْتِ هَيْهَاتَ بَعْدَ اللَّيْتِ وَالَّتِي وَاللَّهِ لِابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدْيِ أُمِّهِ. بَلِ انْدَمَجَتْ عَلَيَّ مَكْنُونِ عِلْمٍ لَوْ بَحْتُ بِهِ لِاضْطَرَبْتُمْ اضْطِرَابَ الْأَرْضِيَّةِ فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ.

ای مردم امواج کوه پیکر فتنه ها را، با کشتی های نجات در هم بشکنید... (دو کس راه صحیح را پیمودند) آن کس که با داشتن یار و یاور و نیروی کافی به پا خاست و پیروز شد، و آن کس که با نداشتن نیروی کافی کناره گیری کرد و مردم را راحت ساخت. اگر سخن گویم (و حقم را مطالبه کنم) گویند: بر ریاست و حکومت حریص است، و اگر دم فرو بندم (و ساکت نشینم) خواهند گفت از مرگ می ترسد. (اما) هیهات پس از آن همه جنگ ها و حوادث (این گفته بس ناروا است). به خدا سوگند علاقه فرزند ابوطالب، به مرگ از علاقه طفل شیرخوار به پستان مادر بیشتر است؛ اما من از علوم و حوادثی آگاهم که اگر بگویم همانند طناب ها در چاه های عمیق به لرزه درآید.

## چرا رسول خدا (ص) از سمیه و دیگر زنان مسلمان دفاع نکرد؟

امیرمؤمنان علیه السلام، به همان دلیل از خود واکنش نشان نداد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام کشته شدن سمیه، مادر عمار یاسر توسط مشرکان و تعرض آن ها به وی، از خود واکنشی نشان نداد.

ابن حجر عسقلانی در الإصابة می نویسد:

(11342) سمیه بنت خباط... والدة عمار بن ياسر كانت سابعة سبعة في الاسلام عذبتها أبو جهل وطعنها في قبلها فماتت فكانت أول شهيدة في الاسلام... عذبتها آل بني المغيرة علي الاسلام وهي تأتي غيره حتي قتلوها وكان رسول الله صلي الله عليه وسلم يمر بعمار وأمه وأبيه وهم يُعذَّبون بالأبطح في رمضاء مكة فيقول صبرا يا آل ياسر موعدكم الجنة.

سمیه دختر خباط... مادر عمار یاسر هفتمین کسی است که اسلام آورد، ابوجهل او را اذیت می کرد و آن قدر نیزه بر پایین شکمش زد تا به شهادت رسید، و او نخستین زن شهید در اسلام است. آل بنومغیره، چون مسلمان شده بود و دست بردارد



نمود او را آزار و اذیت کردند؛ تا کشته شد. رسول خدا (ص)، منظره شکنجه شدن عمار و مادر و پدرش را در مکه می دید و می فرمود: ای خاندان یاسر! صبور باشید که وعده گاه شما بهشت است.

العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي، الإصابة في تمييز الصحابة، ج 7، ص 712، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجليل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 - 1992.

با این که رسول خدا صلی الله علیه وآله می دید کافری همچون ابوجهل متعرض ناموس مسلمانان می شود؛ ولی در عین حال هیچ واکنشی از خود نشان نمی داد و به آنان نیز فرمان می داد که صبر نمایند.

مگر نه این که رسول خدا صلی الله علیه وآله غیورترین و شجاع ترین فرد عالم است، پس چرا از ناموس مسلمانان دفاع نکرد؟ چرا شمشیرش را برنداشت تا گردن ابوجهل را از تنش جدا کند؟

و نیز زمانی که عمر بن خطاب، متعرض زنان مسلمان می شد و آن ها را به خاطر اسلام آوردنشان کتک می زد، چرا رسول خدا صلی الله علیه وآله از خود واکنشی نشان نمی داد.

ابن هشام در السيرة النبوية، می نویسد:

ومر [ابوبکر] بجارية بني مؤمل، حي من بني عدي بن كعب، وكانت مسلمة، وعمر بن الخطاب يعذبها لتترك الاسلام، وهو يومئذ مشرك، وهو يضربها، حتي إذا مل قال: إني أعتذر إليك، إني لم أترك إلا ملالة، فتقول: كذلك فعل الله بك.

ابوبکر می دید که کنیز مسلمان شده از بنو مؤمل از خاندان عدی بن کعب، عمر او را کتک می زد تا دست از اسلام بردارد و مسلمان بودن را ترک کند (چون عمر هنوز مشرک بود) آن قدر او را زد تا خسته شد، گفت: اگر تو را کتک نمی زدم برای این است که خسته شده ام، از این جهت مرا ببخش. کنیز در پاسخ گفت: بدان که خدا نیز این گونه با تو رفتار خواهد کرد.

الحميري المعافري، عبد الملك بن هشام بن أيوب أبو محمد (متوفى 213هـ)، السيرة النبوية، ج 2، ص 161، تحقيق طه عبد الرؤوف سعد، ناشر: دار الجليل، الطبعة: الأولى، بيروت - 1411هـ؛

الشيبياني، أحمد بن حنبل أبو عبد الله (متوفى 241هـ)، فضائل الصحابة، ج 1، ص 120، تحقيق د. وصي الله محمد عباس، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403هـ - 1983م؛

الكلاعي الأندلسي، أبو الربيع سليمان بن موسى (متوفى 634هـ)، الإكتفاء بما تضمنه من معازي رسول الله والثلاثة الخلفاء، ج 1، ص 238، تحقيق د. محمد كمال الدين عز الدين علي، ناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1417هـ؛

الانصاري التلمساني، محمد بن أبي بكر المعروف بالبري (متوفى 644هـ) الجوهرة في نسب النبي وأصحابه العشرة، ج 1، ص 244؛  
الطبري، أحمد بن عبد الله بن محمد أبو جعفر (متوفى 694هـ)، الرياض النضرة في مناقب العشرة، ج 2، ص 24، تحقيق عيسى عبد الله محمد مانع الحميري، ناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1996م؛

النويري، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب (متوفى 733هـ)، نهاية الأرب في فنون الأدب، ج 16، ص 162، تحقيق مفيد قمحية وجماعة، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1424هـ - 2004م.

چرا رسول خدا صلي الله عليه وآله جلوي عمر را نگرفت و او را از اين كار منع نكرد؟ چرا شمشيرش را برنداشت و گردن عمر را نزد؟

اهل تسنن، هر پاسخي دادند، ما نيز عين همان را در باره صبر اميرمؤمنان عليه السلام و شمشير نكشيدن آن حضرت خواهيم داد.

## چرا عثمان از زنش دفاع نكرد؟

هنگامي كه ياران رسول خدا صلي الله عليه وآله به خانه عثمان ريختند و همسر او را زده و انگشتش را قطع كردند، او از همسرش دفاع نكرد، شما از اين عملكرد عثمان چه پاسخي داريد؟  
طبري، در تاريخش مي نويسد:

وجاء سودان بن حمران ليضربه فانكبت عليه نائلة ابنة الفرافصة واتقت السيف بيدها فتعمدها ونفح أصابعها فأطن أصابع يدها وولت فغمز أوراكها وقال أنها لكبيرة العجيزة وضرب عثمان فقتله.

سودان بن حمران آمد تا او را كتك بزند، نائلة دختر فرافصه (زن عثمان) خود را بر روي او انداخت، سودان شمشير را گرفت و انگشت او را قطع كرد و سپس دست به پشت او زد و گفت: عجب پشت بزرگي دارد، سپس عثمان را زد و كشت.

الطبري، أبي جعفر محمد بن جرير (متوفاي 310)، تاريخ الطبري، ج 2، ص 676، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

همچنين ابن اثير در الكامل في التاريخ مي نويسد:

وجاء سودان ليضربه فأكبت عليه امرأته واتقت السيف بيدها فنفح أصابعها فأطن أصابع يديها وولت فغمز أوراكها وقال أنها لكبيرة العجز وضرب عثمان فقتله.

الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (متوفاي 630هـ) الكامل في التاريخ، ج 3، ص 68، تحقيق عبد الله القاضي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الثانية، 1415هـ.

ابن كثير دمشقي سلفي مي نويسد:

ثم تقدم سودان بن حمران بالسيف فمانعته نائلة فقطع أصابعها فولت فغضب عجزتها بيده وقال: أنها لكبيرة العجيزة. وضرب عثمان فقتله.

القرشي الدمشقي، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء (متوفاي 774هـ)، البداية والنهاية، ج 7، ص 188، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

چرا عثمان از زنش دفاع نكرد، مگر نه اين كه او مرد بود، غيرت داشت و بايد از زنش دفاع مي كرد؟ پس چرا هيچ واكنشي از خود نشان نداد و حاضر شد كه ببيند ياران رسول خدا به همسر او اهانت كرده و متعرض همسر او شوند؟

## چرا عمر از زنش دفاع نكرد؟

اهل سنت اصرار دارند که امّ کلثوم دختر امیر مؤمنان علیه السلام همسر عمر بوده است؛ اما می بینیم که هنگامی که مغیره بن شعبه اهانت زشتی به امّ کلثوم کرده و او را با امّ جمیل، زنا کار مشهور عرب تشبیه و قیاس می کند، عمر هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد.

ابن خلکان در وفیات الأعیان می نویسد:

ثم إن أم جمیل وافقت عمر بن الخطاب رضي الله عنه بالموسم والمغيرة هناك فقال له عمر أتعرف هذه المرأة يا مغيرة قال نعم هذه أم كلثوم بنت علي فقال له عمر أتتجاهل علي والله ما أظن أبا بكره كذب عليك وما رأيتك إلا خفت أن أرمي بحجارة من السماء.

ام جمیل (کسی که سه نفر شهادت دادند مغیره با او زنا کرده است، و به خاطر امتناع شاهد چهارم از شهادت، از حد رهایی یافت) در حج، با عمر همراه شده و مغیره نیز در آن زمان در مکه بود. عمر به مغیره گفت: آیا این زن را می شناسی؟ مغیره در پاسخ گفت: آری این امّ کلثوم دختر علی است!

عمر گفت: آیا خودت را به بی خبری می زنی؟ قسم به خدا من گمان می کنم که ابوبکر در باره تو دروغ نگفته است؛ و هر زمان که تو را می بینم می ترسم که از آسمان سنگی بر سر من فرود آید!

ابن خلکان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر (متوفای 681هـ)، وفیات الأعیان و انباء أبناء الزمان، ج 6، ص 366، تحقیق احسان عباس، ناشر: دار الثقافة - لبنان.

و ابوالفرج اصفهانی می نویسد:

حدثنا ابن عمار والجوهري قالا حدثنا عمر بن شبة قال حدثنا علي بن محمد عن يحيى بن زكريا عن مجالد عن الشعبي قال كانت أم جمیل بنت عمر التي رمي بها المغيرة بن شعبة بالكوفة تختلف إلي المغيرة في حوائجها فيقضيها لها قال ووافقت عمر بالموسم والمغيرة هناك فقال له عمر أتعرف هذه قال نعم هذه أم كلثوم بنت علي فقال له عمر أتتجاهل علي والله ما أظن أبا بكره كذب عليك وما رأيتك إلا خفت أن أرمي بحجارة من السماء.

ام جمیل همان کسی است که مغیره را به زنا با او متهم کردند و در کوفه به نزد مغیره رفته و کارهای او را انجام می داد! این زن در زمان حج با مغیره و عمر همراه شد. عمر به مغیره گفت: آیا این زن را می شناسی؟ پاسخ داد: آری این امّ کلثوم دختر علی است!

عمر گفت: آیا در مقابل من خود را به بی خبری می زنی؟ قسم به خدا من گمان ندارم که ابوبکر در باره تو دروغ گفته باشد! و تو را نمی بینم، مگر آنکه می ترسم از آسمان سنگی بر سر من فرود آید!

الأصبهاني، أبو الفرج (متوفای 356هـ)، الأغاني، ج 16، ص 109، تحقیق: علي مهنا وسمير جابر، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر - لبنان.

زنا کردن مغیره با امّ جمیل، مشهور و معروف و امّ جمیل به بدکاره بودن شهره شهر و انگشت نمایی عام و خاص بود. چرا هنگامی که مغیره بن شعبه، دختر رسول خدا را با چنین زناکاری مقایسه می کند، خلیفه دوم او را مجازات نمی کند؟ اهل تسنن از این مطلب هر پاسخی دادند، ما نیز همان پاسخ را به آن ها خواهیم داد.

**موفق باشید**

**گروه پاسخ به شبهات**

**مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)**